

واکاوی و کاربست روش‌شناختی تحلیل قاب در رسانه‌های خبری از منظر رویکرد کیفی

نوشته

مسعود تقی‌آبادی*

حمید تقی‌آبادی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

چکیده

تحلیل قاب از جمله روش‌های مورد استفاده در رسانه‌ها محسوب می‌شود. با مقاله رابرت ائتمن در سال ۱۹۹۳، تحلیل قاب به یک روش مهم تبدیل شد. از زمانی که گافمن، مفهوم تحلیل قاب را معرفی کرد و ائتمن در زمینه تحلیل رسانه‌های جمعی آن را به کار گرفت، محققان این روش را برای درک نحوه ارائه اطلاعات، توسط رسانه‌های چاپی و سایر رسانه‌ها، مورد استفاده قرار داده‌اند. امروزه تحلیل قاب با متیو نیسبت وارد مسیر جدیدی شده است و در ارتباطات علم و بازتاب مشکلات زیست‌محیطی، تغییرات آب و هوایی، مسائل علمی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطالعه‌هایی که از تحلیل قاب به عنوان روش‌شناسی استفاده کرده‌اند از رویکردهای گوناگون نظری و روش‌شناختی بهره جسته‌اند، که منجر به تعاریف عملی متفاوتی شده و بیشتر آن‌ها نیز تجربی و مختص اهداف مطالعه مربوط بوده است. این مقاله، در صدد ارائه یک صورت‌بندی کلی از تحلیل قاب کیفی در رسانه‌های خبری است که با متمایز کردن آن از نوع کمی و نقد رویکرد کیفی آغاز می‌شود و به شناخت انواع تحلیل قاب "هرمنوتیک یا کیفی"، "کل‌گرایانه دستی"، "تقلیل‌گرایانه دستی" و "زبان‌شناختی و رایانه‌محور" و نقاط ضعف و قوت هر یک از آن‌ها می‌پردازد. در ادامه به رابطه تحلیل قاب، با سایر روش‌ها از جمله تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا پرداخته می‌شود و همچنین در پایان، نحوه کاربرد آن‌ها را در فرایند تحقیق شرح می‌دهد.

کلیدواژه: تحلیل قاب، رسانه خبری، چارچوب‌سازی، روزنامه، تحلیل کیفی.

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، تهران، ایران
masoud.taghiabadi@gmail.com

** دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران khatteman@gmail.com

مقدمه

چارچوب‌سازی یا قاب‌بندی، به عنوان یک مفهوم و حوزه تحقیقاتی، چندین رشته علوم اجتماعی را شامل می‌شود. قاب‌ها، رشته‌های تفسیری داستان هستند که به یک نظم خاص اندیشگانی اشاره دارند؛ قاب‌ها به ما می‌آموزند که چرا یک مسئله می‌تواند یک مشکل تلقی شود، چه کسی یا چه چیزی ممکن است مسئول آن باشد و چه کاری باید در قبال آن صورت گیرد. چارچوب‌سازی یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در فرایند ارتباطات است، به خصوص به عنوان امری که در امور عمومی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هیچ‌گونه اطلاعات چارچوب‌سازی نشده‌ای وجود ندارد، اغلب ارتباطات‌گران موفق در امر چارچوب‌سازی نیز موفق هستند (نیسبت^۱، ۲۰۰۹: ۱۵). تحلیل قاب و "چارچوب‌سازی" امروزه به طور گسترده‌ای، در علوم اجتماعی و رفتاری - از جمله مطالعات ارتباطی، مطالعات مدیریت و سازمانی و روانشناسی سیاسی استفاده می‌شود و معانی و اشکال مختلفی را ذیل این رشته‌ها شامل می‌شود. برای محققان ارتباطات، چارچوب‌سازی در سطوح مختلفی رخ می‌دهد: فرستنده پیام، مانند یک سازمان جنبش اجتماعی، پیام را به یک شیوه شکل می‌دهد؛ یک روزنامه‌نگار ممکن است آن را با توجه به هنجارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در قاب‌های مختلف ارائه دهد و مخاطبان نیز دوباره شکل مد نظر خود را از همان پیام ارائه دهند (لینکیلده^۲، ۲۰۱۴: ۱۹۹). در حوزه روانشناسی سیاسی، تحلیل قاب عنصر اصلی تحقیق در صورت‌بندی دیدگاه و الویت‌ها است، برای مثال، مطالعه اثر مثبت و منفی چارچوب‌سازی مسائل سیاسی، بر تمایل افراد جهت اختصاص منابع به موضوع (اسنایدرمن و تریولت، ۲۰۰۴).

در واقع، بحث اصلی تحلیل قاب این است که ایده‌ها، فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند، تفسیر می‌شوند و جهت برساخت الگوهای اندیشگانی خاص که از طریق آن مخاطبان جهان را درک می‌کنند، چگونه با شرایط و پدیده‌ها درهم می‌آمیزند (لینکیلده، ۲۰۱۴: ۱۹۹). از سوی دیگر، افرادی همچون هوپ^۳ معتقدند، تحلیل قاب یک روش تحلیل گفتمان است که عمدتاً مربوط به تشریح نحوه تعریف و پروبلماتیک کردن مسئله و تأثیر آن بر بحث گسترده‌تر این موضوع است (هوپ، ۲۰۱۰: ۱). به زعم انتمن^۴ تحلیل قاب در زمینه تحقیقات رسانه‌ای، چهار هدف اصلی را دنبال می‌کند: تعریف مشکلات، تشخیص یک جریان، قضاوت ارزشی و پیشنهاد راه حل‌ها (انتمن، ۱۹۹۳: ۵۲).

در این میان، روش تحلیل قاب از رویکردی که گافمن و افرادی چون شومیکرز مطرح می‌کردند فاصله گرفت و ماتیو نیسبت با ورود به این روش، در صدد کاربست روش تحلیل قاب

1. Nisbet
2. Lindeskilde
3. Hope
4. Entman

در ارتباطات علم و مسائل سیاسی مختص به آن، همچون وضعیت چارچوب‌سازی تغییرات آب و هوایی در رسانه‌ها بر آمد. وی معتقد بود، مفهوم چارچوب‌سازی در مورد‌گفتمان سیاسی و گفتمان مربوط به مسائل زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی قابل استفاده است (نسبت و همکاران، ۲۰۱۳: ۷۷۶). از این رو، چارچوب‌سازی گفتمان تغییر اقلیم در رسانه‌ها، به نحوه برجسته‌سازی مسئله تغییرات آب و هوا و اقلیم، جهت یادآوری آن برای مخاطبان اشاره دارد. تحلیل قاب، موضوعی فراتر از این مسائل است و در حوزه‌های مختلف به کار می‌رود، از جمله کارهایی که اسنو و لینکلده در باب "کنش جمعی" و جنبش‌های اجتماعی مطرح کردند. شفل و توکسبری^۱ در این باره می‌گویند، چارچوب‌سازی مسائل در رسانه‌های جمعی نقش مهمی را در درک عمومی علم و فناوری ایفا می‌کند (شفل و توکسبری، ۲۰۰۷: ۱۵). نسبت و مونی^۲ نیز معتقدند، پویایی و تکامل قاب‌ها و خرده‌بحث‌ها در مباحث عمومی، بیشتر در علوم ارتباطات، به ویژه نظریه‌های برجسته‌سازی و ارتباطات سیاسی مورد توجه قرار گرفته است (نسبت و مونی، ۲۰۰۷: ۱۶۹). رویکرد اصلی به کاررفته در تحلیل قاب، بر پایه هستی‌شناسی روش‌های کیفی است، اما با توجه به نسبت نزدیک آن با تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، افرادی این روش را در پارادایم کمی به کار برده‌اند، افرادی همچون ونتو چو در پایان‌نامه‌اش در دانشگاه آیووا با عنوان تحلیل قاب مقایسه‌ای از پوشش ادوارد اسنودن در نیویورک تایمز و پپلز دیلی، که از روش تحلیل محتوای کمی برای شناسایی نگرش و لحن روزنامه چین و آمریکا در قبال اسنودن بهره گرفت. با این اوصاف رویکرد اصلی تحقیق قاب ذیل پارادایم کیفی می‌گنجد.

تفاوت در کاربست روش شناختی تحلیل قاب در رسانه‌ها و عدم اتفاق نظر پژوهشگران در بهره‌گیری از رویکرد روشی یکسان و همچنین گزینش قاب‌های خبری از پیش موجود تحت عنوان قاب‌های استاندارد و پدیدار شدن قاب‌های جدید مطالعاتی باعث دشواری تمایز بین تحلیل کیفی قاب‌های خبری، به عنوان یک تکنیک تحقیقاتی می‌شود که به طور خاص در زمینه روزنامه‌نگاری کاربرد دارد. از این رو، هدف از این مقاله ارائه گامی در این راستا با تلاش برای ارائه روش‌شناسی برای کاربست تحلیل اساسی قاب کیفی اخبار است. این تحقیق بر آن است که به رویکردهای مطرح در تحلیل قاب، به ویژه از حیث کاربست آن در رسانه‌ها و ارتباطات پردازد و ضمن ذکر انواع مختلف قاب‌های رسانه‌ای، به نسبت تحلیل قاب با سایر روش‌ها پرداخته و رویکردی برای تحلیل قاب در سطح فنی و بلاغی آن ارائه دهد. بعضی از سؤال‌هایی که این تحقیق سعی در پاسخگویی به آن دارد این است که رویکردهای موجود در تحلیل قاب چیست؟ نقاط ضعف و قوت این رویکردها چیست و در نهایت، نحوه انجام تحلیل قاب در رسانه‌های خبری چگونه است؟ از این رو، تحقیق به سه بخش مفهومی، روش شناختی

1. Scheufele & Tewksbury
2. Mooney

و کاربست تقسیم شده است. در بخش نخست، به مفهوم چارچوب‌سازی (قاب‌بندی) و انواع قاب‌های رسانه‌ای پرداخته شده است. در بخش دوم، تحلیل قاب از حیث روش‌شناختی تحلیل و سپس نحوه پیاده‌سازی آن در متون رسانه‌ای شرح داده می‌شود.

بخش مفهومی

چارچوب‌سازی یا قاب‌بندی^۱

فرایند چارچوب‌سازی شامل "مفصل‌بندی قاب" است که شامل ارتباط رویدادها، تجربه‌ها و لایه‌های ایدئولوژی به یکدیگر است؛ به نحوی که آن‌ها به شیوه‌ای یکپارچه و معنی‌دار در کنار هم چیده شوند. همچنین مفصل‌بندی قاب به معنای برجسته‌سازی مسائل، رویدادها و ایده‌های خاص و وابستگی آن‌ها به سایر موارد است، به این ترتیب موجبات توافق و کنش را فراهم می‌آورد (اسنوا، ۲۰۰۴: ۴۰۰ - ۴۷۱). به زعم فلوتوم و جرستاد^۳ چارچوب‌سازی «مربوط به فرآیندی است که مستلزم انتخاب راهبردی (آگاهانه یا غیر آگاهانه) ویژگی‌های زبان برای یک هدف خاص است». (فلوتوم و جرستاد، ۲۰۱۷: ۲). برای درک بیشتر مفهوم قاب و چارچوب‌سازی در گفتمان، باید اشاره کرد که:

استفاده مکرر از قاب، «آشنایی» را ایجاد می‌کند و اجازه می‌دهد تا بعضی از مفروضات یا نظریه‌ها بی‌نتیجه بماند و پیچیدگی موضوع گزارش‌شده را کاهش دهد. با بسط قاب‌ها، دیدگاه‌های خاصی مورد تأکید قرار می‌گیرد در حالی که سایر دیدگاه‌ها ممکن است نادیده انگاشته شود. برای مثال، کلمه‌های خاص، استعاره‌ها یا تصاویر ممکن است بارها مورد استفاده قرار گیرد و ایده‌ها یا دیدگاه‌های خاصی را برجسته‌تر یا به یاد ماندنی‌تر کند (نیلر^۴ و همکاران، ۲۰۱۷: ۶).

رابرت انتمن توضیح می‌دهد: «قاب، گزینش برخی از جنبه‌های یک واقعیت درک‌شده است و آن‌ها را در یک متن ارتباطی برجسته‌تر می‌کند، به عبارتی همچون روشی برای بهبود تعریف یک مشکل خاص، تفسیر علی، ارزیابی اخلاقی یا توصیه رفتاری برای یک مورد معین توضیح داده شده است». بالدوین ون گورپ^۵ قاب‌ها را «مفاهیم مشترک فرهنگی با اهمیت نمادین، مانند کلیشه‌ها، ارزش‌ها، کهن‌الگوها، اسطوره‌ها و روایت‌ها» توصیف می‌کند (نگی و گیلسپای، ۲۰۱۵: ۱۴). محققان عوامل متعددی را از عوامل فردی گرفته تا سازمانی و اجتماعی، شناسایی کرده‌اند که بر نحوه شکل‌دهی و چارچوب‌سازی رسانه‌ها تأثیر می‌گذارند.

۱. در این تحقیق معادل واژه frame مفهوم "قاب" و framing با توجه به ترجمه‌های قبلی، مفهوم "چارچوب‌سازی" مطرح شده است.

2. Snow

3. Fløttum & Gjerstad

4. Naylor

5. Baldwin Van Gorp

6. Nagy & Gillespie

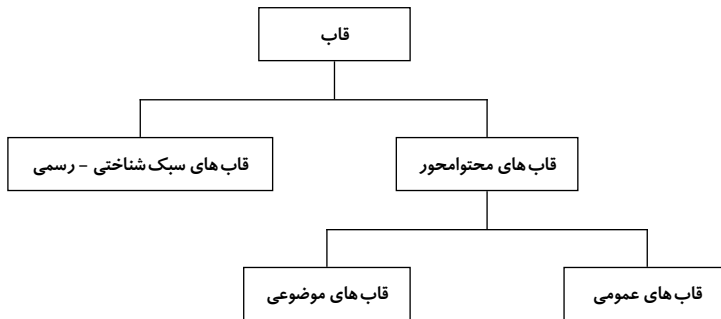
کلارک و ایلیمان، عواملی را به عنوان عوامل مهم در انتخاب و چارچوب‌بندی اخبار علمی تشخیص داده و به این صورت خلاصه می‌کنند: منافع روزنامه‌نگاران و تجربه، محدودیت‌های فضایی و زمانی در نمایش یک موضوع، مخاطب هدف، رویدادها و روندهای حوزه علم و فناوری و روندهای اجتماعی گسترده‌تر (کلارک و ایلیمان، ۲۰۰۶: ۴۵۵).

کانچیک و زیپفل^۲ (۲۰۰۶) معتقدند که روزنامه‌نگاران بر اساس منافع شخصی، دیدگاه‌ها، مفاهیم و قاب‌های تفسیری، اخبار را انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر، در حالی که ارزش‌ها و دیدگاه‌های خاصی در گفتمان رسانه‌ها تولید می‌شود، سایر موارد حذف می‌شوند (سالجوک^۳، ۲۰۱۵: ۲). تعریف نظام‌مندتر و جامع‌تر را، شومیکر و رییس (۱۹۹۱) و تاچمن (۱۹۷۸) ارائه داده و پنج عامل را شناسایی کردند که می‌توانند بر نحوه شکل‌دهی موضوع توسط روزنامه‌نگاران تأثیر بگذارند. آن‌ها عبارت از: هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، فشارهای سازمانی و محدودیت‌ها، فشار گروه‌های ذی‌نفع، عادت‌های روزنامه‌نگاران و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک یا سیاسی روزنامه‌نگاران است (شفل، ۱۹۹۹: ۱۱۷). با شناخت اینکه انتخاب موضوع‌ها و قاب‌ها، تنها بر اساس ویژگی‌های شخصی و دیدگاه‌های روزنامه‌نگاران شکل نمی‌گیرد، این نویسندگان به زمینه‌های اجتماعی و سازمانی گسترده‌تر به عنوان یک عنصر اصلی در صورت‌بندی قاب‌های رسانه‌ها توجه می‌کنند.

نوع‌شناسی قاب‌های رسانه‌ای

یک بررسی از تحقیقات چارچوب‌سازی در گذشته، دو نوع اصلی قاب‌های رسانه‌ای را نشان می‌دهد: قاب‌های مباحث خاص و قاب‌های عمومی. نخستین نوع قاب رسانه، تنها مربوط به موضوع‌ها یا رویدادهای خاص است، در حالی که قاب‌های عمومی فراتر از محدودیت‌های مضمونی و موضوعی هستند و می‌توانند در ارتباط با موضوع‌های خاص شناسایی شوند (دی ویریس^۴، ۲۰۰۵: ۵۴). به گفته دی ویریس، ضعف رویکرد یک مبحث خاص این است که تحلیل‌ها را، در نیل به تعمیم، مقایسه و استفاده، به عنوان شواهد تجربی جهت ایجاد نظریه با دشواری مواجه می‌سازد. به زعم هر توگ^۵ و مک‌لئود^۶ این روش باعث شده محققان «به راحتی شواهدی را برای آنچه که در پی آن‌اند» پیدا کنند و به «یکی از گرایش‌های باطل در مطالعه قاب‌ها و چارچوب‌سازی پردازند، یعنی تمایل محققان برای ایجاد مجموعه‌ای منحصر به فرد از قاب‌ها برای هر مطالعه» (دی ویریس، ۲۰۰۵: ۵۵). در تقسیم‌بندی دیگری که در باب قاب‌های خبری صورت گرفته است ماتز این الگو را برای انواع قاب‌های رسانه‌ای پیشنهاد می‌دهد:

1. Clark & Illman
2. Kunczik & Zipfel
3. Suljok
4. De Vreese
5. Hertog
6. McLeod



شکل ۱. انواع قاب رسانه‌ای ماتز

منبع: ماتز، ۲۰۰۷؛ شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۶

نخست، قاب‌های "سبک‌شناختی-رسمی" و "محتو محور" می‌توانند متفاوت باشند. قاب‌های سبک رسمی، بر ساختار یا ارائه رسمی یک متن ارتباطی، به جای محتوای آن، متمرکز می‌شوند. بر این اساس، آن‌ها معمولاً حاوی درجه بالایی از انتزاع هستند. برجسته‌ترین مثال در این مورد، تمایز قاب‌های اپیزودیک، که مسئله‌ای را جدا از تاریخ و زمینه‌های گسترده‌تر آن ارائه می‌دهد، و قاب مضمونی اینگر^۱ (۱۹۹۷) است که مسئله را بافتاری می‌کند و اطلاعات پس‌زمینه‌ای غنی را فراهم می‌آورد. سایر قاب‌های سبک‌شناختی-رسمی، قاب‌های "راهبردی" را در برابر "مسئله‌ای"، قاب‌های "تشخیصی" یا "پیش‌بینانه" و یا قاب‌های "کسب" را در برابر "از دست دادن" از هم متمایز می‌کند (شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۶).

تمام قاب‌های محتو محور، بر محتوای ارتباطات متمرکز هستند، اما میزان انتزاع آن‌ها تفاوت دارد. در این میان، ماتز (۲۰۰۷) قاب‌های "عمومی" و "موضوعی" را متمایز می‌کند. قاب‌های عمومی، مجموعه قاب‌هایی که مربوط به محتوا هستند، نه مربوط به مسئله را پیشنهاد می‌دهد و از آن‌ها استفاده می‌کند. چنین قاب‌هایی که در اوایل ادبیات چارچوب‌سازی، گاه به نام "قاب‌های برجسته"^۲ نامیده می‌شدند، به عنوان تفسیرهای عمومی یا الگوهای فراتر از مسائل فردی دیده می‌شوند. مورد استفاده‌ترین مثال، پنج قابی است که سمتکو و والکنبرگ ذکر می‌کنند (در ادامه ذکر می‌شود). چنین مطالعاتی قاب‌هایی را بازسازی می‌کنند که مخصوص یک موضوع هستند. به این ترتیب، آن‌ها تمایل دارند که دقیق‌تر باشند، اما با این حال، قابلیت انتقال‌پذیری کمتری به مسائل دیگر دارند مانند قاب "زندگی جنینی" که فری، گامسون، جرهارد و روخت^۳ (۲۰۰۲) در پوشش رسانه‌ای در مورد سقط جنین کشف کردند. در حقیقت، اغلب، قاب‌های متداول و

1. Iyengar

2. master frames

3. Ferree, Gamson Gerhards & Rucht

مشترکی بین قاب‌های موضوعی در باب یک موضوع وجود دارد؛ برای مثال، بسیاری از قاب‌های موضوعی که نویسندگان مختلف مطرح کرده‌اند، در ظاهر، مسئله تغییرات اقلیمی را مد نظر دارند. همچنین نیومن^۱، جاست و کریگلر^۲ پنج قاب رایج مورد استفاده رسانه‌ها را شناسایی کردند.

۱. قاب تأثیر انسانی، بر توصیف افراد و گروه‌های تحت تأثیر یک موضوع متمرکز است؛

۲. قاب ناتوانی، به تسلط نیروها بر افراد یا گروه‌های ضعیف اشاره می‌کند؛

۳. قاب اقتصادی، نشان‌دهنده دغدغه سود و زیان است؛

۴. قاب ارزش‌های اخلاقی، به اخلاق و مقررات اجتماعی اشاره دارد؛

۵. قاب تضاد، با تفسیر اخبار رسانه‌ها از دنیای سیاسی به عنوان مجموعه‌ای مداوم از تعارض‌ها، همراه با مجموعه جدیدی از برندگان و بازندگان مطابقت دارد (نیومن و همکاران، ۱۹۹۲: ۷۴).

سمتکو و والکنبورگ (۲۰۰۰) تحقیقات بیشتری را در کار مورد نیومن، جاست و کریگلر انجام دادند. آنها پنج قاب را شناسایی کردند، یعنی تضاد؛ بهره انسانی؛ تخصیص مسئولیت؛ اخلاق؛ و پیامدهای اقتصادی. تعاریف آنها برای این قاب‌ها مشابه تعریف قاب‌های نیومن و همکارانش است، به جز فرایند بهره انسانی که آنها آن را "دادن یک چهره انسانی یا یک زاویه احساسی به ارائه یک رویداد، مسئله یا مشکل" تعریف می‌کنند، قاب تضاد آنها، گسترده‌تر از قاب نیومن و همکاران است، اشاره به تضاد بین افراد، گروه‌ها، مؤسسه‌ها و یا کشورها دارد. طبقه‌بندی سمتکو و والکنبرگ شامل قاب ناتوانی نیست. در عوض، قاب پنجم آنها، تخصیص مسئولیت نام دارد، که به عنوان «ارائه یک مسئله یا مشکل به گونه‌ای که مسئولیت ایجاد یا حل و فصل را به دولت یا فرد یا گروه نسبت می‌دهد» تعریف می‌شود (دی وریس، ۲۰۰۵: ۵۶).

بخش روش‌شناختی

تحلیل قاب به‌منابه راهبردی روش‌شناختی

محققان از رویکردهای روش‌شناختی متفاوتی برای تحلیل قاب استفاده می‌کنند. برخی از مطالعات از تحلیل محتوای کمی یا تحلیل قاب به کمک رایانه (مانند نگاهشت قاب) استفاده کردند، در حالی که برخی دیگر روش تفسیری و کیفی مبتنی بر متن را ترجیح می‌دهند. به گفته پان و کوسیشکی، استفاده از تحلیل قاب به عنوان یک راهبرد روش‌شناختی مستلزم "ساخت و پرداخت گفتمان یا ویژگی‌های گفتمان به خودی خود" است (پان و کوسیشکی^۳، ۱۹۹۳: ۵۷). به گفته ریس، ارزش چارچوب‌سازی و تحلیل قاب "نه به پتانسیل آن به عنوان یک حوزه تحقیقاتی واحد، بلکه به این دلیل است که به عنوان یک مدل محرک عمل می‌کند و بین

1. Neuman
2. Just & Crigler
3. Pan & Kosicki

- بخش‌هایی از میدان که باید با یکدیگر در ارتباط باشند، پل ارتباطی برقرار می‌کند: کمی و کیفی، تجربی و تفسیری، روانشناختی و جامعه‌شناختی، و دانشگاهی و حرفه‌ای" (ریس، ۲۰۰۷: ۱).
- ویمر و دومینیک می‌افزایند که تحلیل قاب خبری، به عنوان شکلی از تحلیل محتوای کیفی، می‌تواند برای اهداف تحقیقات رسانه‌ای انجام شود:
- توصیف محتوای ارتباطی؛
 - مقایسه محتوای رسانه با «دنیای واقعی»؛
 - ایجاد نقطه شروع برای بررسی تأثیرات رسانه‌ای (ویمر و دومینیک، ۲۰۰۶: ۱۵۲ - ۵۳).

تحلیل قاب کیفی و کمی

به زعم وود^۱ همه مسائل ارتباطاتی را نمی‌توان کمی سنجید و داده‌های کمی نمی‌توانند بینش قابل توجهی را در باب بافت و معنای تجربیات فراهم آورند. وود بر این باور است که روش‌های کیفی، زمانی ارزشمند هستند که ما مایل به شمارش یا اندازه‌گیری یک پدیده نباشیم، بلکه در صدد فهم سرشت تجربه باشیم، به ویژه اینکه مردم چگونه تجربه ارتباطی خود را درک و معنا می‌بخشند. این امر شامل تفسیر معانی و سایر ابعاد غیر مشهود ارتباطات است (وود، ۲۰۰۴: ۶۹). کله^۲ و همکاران او دریافته‌اند که «وظیفه تحلیلی اصلی در تحقیقات کیفی درک معنای متون» است (کله و همکاران، ۱۹۹۵: ۳). دوپلوی^۳ به نحو مشابهی می‌گوید که تحقیق کیفی، تحلیلی و تفسیری است که علاوه بر آن، در صدد بررسی پدیده به شیوه‌ای کل‌گرایانه است. دوپلوی همچنین بیان می‌کند که ماهیت داده‌ها و مسئله تحقیق، روش‌شناسی تحقیق را تعیین می‌کند (دوپلوی، ۱۹۹۷: ۳۳).

ون‌گورپ^۴ طرفدار رویکرد روش آمیخته در تحلیل قاب است. او استفاده از تکنیک‌های کمی را برای بررسی روند کلی در مجموعه‌های داده‌های بزرگ و تکنیک‌های کیفی برای بررسی اثرات چارچوب‌سازی یا قاب‌بندی ظریف در مجموعه داده‌های کوچک تر پیشنهاد می‌کند (ون‌گورپ، ۲۰۰۷: ۷۲-۷۳). به زعم ریس^۵ تحلیل قاب کیفی، بر محتوای فرهنگی و سیاسی قاب‌های خبری و «نحوه استفاده آن‌ها از ذخیره مشترک معانی اجتماعی» تأکید می‌کند (دی‌آنجلو و کوپرس^۵، ۲۰۱۰: ۱۸). به بیان گیتلین^۶ تحلیل کیفی، یک سطح پیچیدگی را دنبال می‌کند که «مبنی بر بی‌طرفی پیچیدگی آثار رسانه‌ای است» (گیتلین، ۱۹۸۰: ۳۰۳). کانلی‌آهرن^۷ و بروودی^۷ نیز مفهوم تحلیل قاب کیفی را به این شرح توضیح می‌دهند:

1. Wood
2. Kelle
3. Du Plooy
4. Van Gorp
5. D'Angelo & Kuypers
6. Gitlin
7. Connolly-Ahern & Broad way

«تحلیل قاب کیفی شامل پیوند مکرر و گسترده با یک متن و نگاه کل‌گرایانه به اصول آن برای شناسایی قاب‌هاست». این نویسندگان معتقدند که این رویکرد به تحلیل قاب، کلمات کلیدی و استعاره‌های متن را بررسی می‌کند، و به شناسایی آنچه در قاب گنجانده شده و همچنین مواردی که نادیده انگاشته شده‌اند می‌پردازد؛ این رویکرد همچنین تصدیق می‌کند «که واژگانی که اغلب در متن تکرار می‌شوند ممکن است زیاد مهم نباشند» (کانلی آهرن و برودوی، ۲۰۰۸: ۳۶۹).

نقد تحلیل قاب کیفی

دو مسئله عمده که به نظر محققان در زمینه تحقیق قاب‌بندی برجسته است، مسئله پایایی و اعتبار (روایی) است. یک تهدید در اعتبار تحلیل قاب کیفی، چگونگی تعریف عملیاتی قاب‌ها است. با توجه به نظر دی‌آنجلو و کوپرس هنگام شناسایی قاب‌های خبری، تمایل دارند که «چرخه» را بازسازی کنند (دی‌آنجلو و کوپرس، ۲۰۱۰: ۴۶). به زعم کلاندرمانس و استاگنبرگ^۱ تحلیل قاب، چالش‌های مربوط به جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و ارائه نهایی نتایج را ایجاد می‌کند. چالش نخست، شامل تعاریف و مفاهیم است، زیرا تمایزهای بین قاب‌های خبری، بیشتر غیر قابل تشخیص هستند، در حالی که چالش دوم شامل تأیید و اثبات است (کلاندرمانس و استاگنبرگ، ۲۰۰۲: ۶۲). نقد دیگر تحلیل قاب کیفی را تانکارد مطرح می‌کند که پی برد «این رویکرد، شناسایی قاب را یک فرایند نسبتاً ذهنی می‌کند» به نحوی که «محققان ممکن است تمایل به تعریف قاب‌ها به شیوه‌های کلیشه‌ای یا متعارف داشته باشند» (ریس^۲ و همکاران، ۲۰۰۱: ۹۸). به زعم دی‌آنجلو و کوپرس رویکرد کیفی، زمانی می‌تواند چالش برانگیز باشد، که مقوله‌های مشخصی مشهود نباشد و نیز هیچ‌گونه برنامه‌کدگذاری ساده‌ای موجود نباشد که بتواند واحدهای متنی را مرتب سازد. نقد دیگر نسبت به رویکرد تحلیل قاب کیفی این است که این کار اتلاف وقت است، زیرا تحلیل قاب قیاسی نیازمند آن است که قبل از تدوین، فهرستی از قاب‌ها تهیه شود (دی‌آنجلو و کوپرس، ۲۰۱۰: ۳۷-۱۰۴). این عمل، به نوبه خود، باعث طولانی شدن فرایند تحقیق و تأثیر قاب‌های پیشین بر نتایج تحقیق می‌شود که می‌تواند سوگیری تحقیق را افزایش دهد.

انواع تحلیل قاب

تحقیق قاب‌بندی، روش‌های گوناگونی را از جمله تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان و روش‌های زبان‌شناختی (پیکره‌بنیاد) به کار می‌گیرد. جورج ماتز، چهار نوع ایده‌آل تحلیل قاب را، برای توصیف رویکردهایی که در تحقیق وجود دارد، متمایز می‌کند، گرچه آنها، بیشتر وقت‌ها در عمل، با یکدیگر همپوشانی نیز دارند (شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۶). این موارد عبارت‌اند از:

1. Klandermans & Staggenborg
2. Reese

۱. تحلیل قاب "هرمنوتیک" یا "کیفی" با روش استقرایی به ایجاد قاب‌ها می‌پردازد که معمولاً بر اساس محتوای رسانه‌ای، سند یا داده‌های مصاحبه (کیفی) به دست می‌آید. بر اساس پارادایم کیفی، این مطالعه‌ها مبتنی بر نمونه‌های کوچک هستند که گفتمان یک موضوع یا یک رویداد را بازتاب می‌دهند. به طور معمول، قاب‌ها در عمق توصیف می‌شوند و هیچ‌گونه کمی کردن داده‌ها در آن صورت نمی‌گیرد. این توصیف‌های دقیق از اصول تحلیل هرمنوتیک و کیفی، بیشتر وقت‌ها قاب‌های موضوعی خاص را بازتولید می‌کند که جزئیات را به صورت مفصل، مشخص می‌کند؛ اما آن‌ها کوشش‌های متمرکزی هستند که اغلب بر پایه نمونه‌های کوچک بنیان نهاده شده‌اند و تکرارپذیری در آن‌ها میسر نیست. با این حال، اگرچه بیشتر این مطالعه‌ها به خوبی مستند شده و کامل هستند، اما فهم نحوه استخراج قاب‌ها از آن‌ها بسیار دشوار است (متز و کورینگ، ۲۰۰۸: ۲۵۹). به همین دلیل، سؤال‌هایی در مورد سوگیری انتخاب و استحکام روش پیش می‌آید. از این رو، تانکار (۲۰۰۱) بر این باور است که «در این نوع تحلیل تک‌محققی این خطر وجود دارد که شناسایی مجموعه‌ای از قاب‌های احتمالی را بتوان به صورت دلخواه انجام داد» (شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۱۰).

۲. رویکرد "کل‌گرایانه دستی"، در تحلیل قاب از تعاریف پیشینی قاب و مجموعه قاب‌ها استفاده می‌کند که به طور معمول، در مطالب رسانه‌ای و یا اظهارات نوشتاری یا شفاهی وجود دارد (متز، ۲۰۰۷؛ شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۷). مجموعه قاب‌های مورد استفاده در این مطالعه‌ها، گاهی بر اساس پیش‌آزمون‌های کیفی، بررسی ادبیات و یا مجموعه‌های قاب از پیش موجود، اتخاذ شده است که باید در موضوع‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. روش انتخاب‌شده به طور معمولی، یک تحلیل محتوای دستی یا نیمه خودکار استاندارد است. مدل‌های اندازه‌گیری در این سنت در مقایسه با رویکردهای کیفی، به طور معمول، صریح‌تر هستند. یکی دیگر از مزیت‌های این رویکرد این است که برای نمونه‌های بزرگ، متون و طیف گسترده‌ای از انواع قاب‌ها استفاده می‌شود. با وجود این، اطمینان از پایایی کدگذار می‌تواند چالش برانگیز باشد. زیرا، قاب‌ها سازه‌های انتزاعی و به نسبت پنهان هستند که معمولاً به راحتی در متون قابل شناسایی نیستند و بنابراین رسیدن به پایایی کدگذاری در آن دشوار است (شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۷-۱۱). در واقع:

پایایی و اعتبار این رویکرد به شدت به شفافیت در استخراج قاب‌ها بستگی دارد ... بدون نام‌گذاری معیاری برای شناسایی قاب‌ها، ارزیابی آن‌ها به ورطه یک خطای روش‌شناسی (جعبه سیاه) می‌غزد. به عبارت دیگر، خطر استخراج قاب‌های محقق، نه قاب‌های رسانه‌ای [ذی‌نفعان یا مخاطبان] را ایجاد می‌کند.

مشکل دیگر انطباق‌پذیری رویکرد است، یعنی انعطاف‌پذیری آن در طول زمان و مناسب

بودن آن برای یک مسئله خاص، به خصوص زمانی که قاب‌ها به صورت "قیاسی" استفاده می‌شوند. همچنین این روش زمانی که در صدد شناسایی قاب‌های جدید بر می‌آید بسیار سخت و انعطاف‌ناپذیر می‌شود (متز و کورینگ، ۲۰۰۸: ۲۶۰-۶۳).

۳. رویکردهای "تقلیل‌گرایانه دستی" از تعاریف پیشینی عناصر قاب بهره می‌جوید که متعاقباً در تحلیل محتوای استاندارد استفاده می‌شوند و در نهایت نیز به منظور تولید و بازتولید آماری قاب‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند (شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۱۰). تعریف پایه چارچوب‌سازی یا قاب‌بندی، مبتنی بر فهم انتمن:

به‌مثابه‌گزینه‌های یک واقعیت درک‌شده و برجسته‌سازی آن‌ها در یک زمینه ارتباطی است به طوری که به ارتقاء یک بیان مسئله خاص، تفسیر علی، ارزیابی اخلاقی و یا یک پیشنهاد رفتاری یا درمانی بینجامد (انتمن، ۱۹۹۳: ۵۲).

در کنار این چهار بعد، "عناصر قاب" در تحلیل محتوای دستی تعریف و کدگذاری می‌شوند. پس از آن، رویکردهای آماری تقلیل‌گرایانه مانند تحلیل خوشه‌ای، تحلیل طبقه‌بندی و یا تحلیل عامل، برای شناسایی عناصری به کار می‌روند که به طور معمول با یکدیگر مرتبط به نظر می‌رسند و این منظومه‌ها (روابط) به عنوان قاب‌ها تفسیر می‌شوند و برچسب می‌پذیرند (شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۱۱). این رویکرد، قادر به پردازش پیکره متوسط و بزرگ متون است؛ کدگذاری عناصر قاب از کدگذاری کل قاب‌ها پایتر و قابل اعتمادتر است، زیرا عناصر قاب، خاص‌تر، آشکارتر و قابل شناسایی آسان‌تر هستند. با این حال، جمع‌آوری آن‌ها در قالب قاب می‌تواند چالش برانگیز باشد؛ زیرا خوشه‌ها، عامل‌ها یا طبقه‌ها، که آماری تولید می‌شوند، به جای انسجام موضوعی به عنوان معیار راهنما از هم‌بودگی^۱ تجربی بهره می‌جویند.

۴. در رویکردهای "زبان‌شناختی" یا "رایانه‌محور"، «قاب‌ها اساساً توسط تحلیل کردن گزینه‌ها، قرارگیری و ساختار کلمه‌ها و جمله‌های خاص در یک متن مشخص می‌شوند؛ با این توضیح که کلمه‌های خاص، بلوک‌های سازنده قاب‌ها هستند». رویکردهای زبان‌شناختی «ابعاد ساختاری قاب‌هایی را تعیین می‌کنند که می‌توانند اندازه‌گیری شوند: نحو، الفبا، مضمون و بلاغت (رتوریک)» (متز و کورینگ، ۲۰۰۸: ۲۶۰) و آن‌ها را در قالب قاب گردآوری کنند، اما پیچیدگی روش، کاربست آن را در خیل کثیری از متون با مشکل مواجه می‌کند. در مقابل، رویکردهای رایانه‌محور، که نقشه‌برداری قاب نیز نامیده می‌شود، می‌توانند در پیکره بزرگی از متون به کار روند. این رویکرد، با جست‌وجوی ترکیب خاص و یا نوعی از کلمه‌ها در متن، به شناسایی قاب‌ها می‌پردازد؛ مثل تحقیق میلر و ریچرست^۲

1. co-presence

2. Miller, M. M., & Riechert, B. P. (2001). Frame mapping: A quantitative method for investigating issues in the public sphere. In M. D. West (Ed.), *Applications of computer content analysis* (pp. 61-75). Westport, CT: Able

(شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۱۰). از یک طرف، این رویکرد بسیار پایاست، زیرا محقق قاب‌ها را به دست نمی‌آورد، بلکه برنامه رایانه‌ای آن‌ها را محاسبه می‌کند؛ اما از سوی دیگر، قاب‌ها را به خوشه‌هایی از کلمه‌ها تقلیل می‌دهد (متز و کورینگ، ۲۰۰۸: ۲۶۰ - ۶۱) و بر ویژگی‌های آشکار متون متمرکز شده و منجر به نگرانی‌هایی در باب اعتبار و روایی می‌شود. در حال حاضر نیز، این رویکردهای رایانه محور، تنها به تحلیل متن نوشتاری محدود شده‌اند و محتوای بصری را در زمینه تحلیل قاب به کار نمی‌گیرند (شافر و انیل، ۲۰۱۷: ۱۱).

جورج ماتز، ذیل این چهار رویکرد در تحلیل قاب، به ذکر روش‌های کاربردی هر یک، نوع داده‌ها و نقاط ضعف و قوت آن‌ها می‌پردازد که در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. ویژگی‌ها و نقاط ضعف و قوت تحلیل قاب

روش	روش هرمنوتیک - کیفی	روش کل گرایانه دستی	روش تقلیل گرایانه دستی	روش زبان‌شناختی
روش	رویکردهای کیفی، تفسیر گرایانه، تحلیل گفتمان	تحلیل محتوای دستی استاندارد	تحلیل محتوای دستی استاندارد	روش‌های زبان‌شناختی پیکره‌بنیاد، مدل‌سازی موضوع
نوع داده	متون رسانه‌ای، مصاحبه/متن گزارش، اسناد	متون رسانه‌ای، اسناد ذینفع و مرتبط	متون رسانه‌ای	متون رسانه‌ای، اطلاعات رسانه‌های اجتماعی و برخط
نقاط قوت	خواندن دقیق / توصیف دقیق داده‌ها با ذکر جزئیات، واسازی معنای پنهان.	مناسب برای مطالعه‌ها با حجم نمونه بزرگ تا متوسط، قابلیت تعمیم‌پذیری، مطابقت بین المللی، و غیره.	مناسب برای مطالعه‌ها با حجم نمونه بزرگ تا متوسط، قابلیت تعمیم‌پذیری، مطابقت بین المللی، و غیره؛ ترکیب مبتنی بر حقایق واقعی قاب‌ها.	مناسب برای مطالعه‌های بزرگ و داده‌های بزرگ، قابلیت تعمیم‌پذیری، مطابقت بین المللی، ترکیب قوی استقرایی، تأثیر اندک محقق.
نقاط ضعف	محدود به تحلیل با حجم نمونه کوچک؛ تعاریف معمولاً مشخص نیست؛ مستندسازی روش‌شناختی گاهی مبهم است.	کدگذاری کل گرایانه قاب‌ها سازگاری با مسائل/زمینه‌های خاص را دشوارتر می‌کند؛ تعیین معنی پنهان دشوار است؛ کدگذاری باید به جای اینکه عام باشد، اغلب در قالب قاب موجود یا غیر موجود در متن صورت گیرد.	تعیین معنی پنهان دشوار است؛ کدگذاری عناصر قاب باید به نسبت عام باشد؛ کدگذاری نیاز به منابع بیشتری دارد.	محدود به عناصر آشکار متون مانند کلمه‌ها؛ ارتباط نتایج (مانند موضوع‌ها) به مفهوم؛ چارچوب‌سازی به طور کامل روشن نیست.

نسبت تحلیل قاب با سایر روش‌ها

تحلیل قاب در تحقیقات ارتباطات جمعی بیشتر وقت‌ها می‌تواند با ترکیب روش‌های کیفی و کمی حد فاصل بین تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا قرار گیرد (ندورف، ۲۰۰۲). به زعم ریسه

(۲۰۰۷)، تحلیل قاب، بیشتر مبتنی بر فرهنگ است تا تحلیل محتوا. تحلیل قاب، مانند ابزاری جهت تشخیص نحوه درک مردم از پیام‌های خاص عمل می‌کند. این کار به محقق کمک می‌کند تا «ترس‌ها و دردهای یک طبقه، یک جامعه یا یک ملت را فهم کند و سپس درک خود را از یک مسئله شکل دهد» (جانسن، ۲۰۱۰: ۲۸).

تحلیل فرایند چارچوب‌سازی را می‌توان با استفاده از روش‌های مختلف انجام داد. این بخش یک مرور کلی از رایج‌ترین روش‌های تحلیل قاب را ارائه می‌دهد. ریس اشاره می‌کند که تحلیل تجربی قاب‌ها، می‌تواند کمی/ اثبات‌گرایانه و کیفی/ تفسیری باشد (ریس، ۲۰۱۰). بیشاپ^۲ نیز تحلیل قاب را برای پوشش رسانه‌ای از بازی اعمال کرد. او متون را از روزنامه‌ها و رونوشت‌های ایالات متحده و اخبار تلویزیون ملی جمع‌آوری کرد و تحلیل محتوا را کیفی انجام داد؛ زیرا «تحلیل محتوای کمی به نویسندگان اجازه نمی‌دهد تا لایه‌های معانی موجود در متون را باز کند» (بیشاپ، ۲۰۱۳: ۵۱۳). واحد تحلیل او کل مقاله بود، او مقاله‌ها را به منظور کشف کلمه‌های کلیدی، عبارت‌های رایج، کلیشه‌ها و آرای مرتبط با مضمون‌های مد نظرش کدگذاری کرد. این عمل، به او اجازه داد تا برچسب‌هایی را، برای قاب‌هایی که در متون پیدا کرده بود، ایجاد کند.

جدول ۲. تحقیق‌های مبتنی بر تحلیل قاب

رویکرد	هدف	بینش‌های به دست آمده
تحلیل محتوای کیفی کدگذاری داده‌های کیفی: کلمه‌های کلیدی، عبارت‌های رایج، گزاره‌های عقیدتی	شناسایی موضوع‌ها و مضمون‌ها؛ تعاریف معانی متون جهت شناسایی قاب‌ها برای مضمون‌ها و موضوع‌های مختلف	توصیف دقیق از قاب‌های مورد استفاده برای صحبت در مورد یک مسئله خاص
تحلیل محتوای کیفی بر اساس طرح کدگذاری از پیش تعیین شده با توجه به فرضیه‌ها	استفاده از قاب برای بررسی مسائل مهم آماری. تأثیر در طول زمان	داده‌های سری زمانی گرایش‌ها / پیامدهای قاب‌ها
روش‌های آمیخته رویکرد متناسب با سؤال تحقیق تفاوت می‌کند.	تحلیل عمیق و شناسایی قاب‌ها و تأثیر آن‌ها	تأثیرها و تمایل‌های آمیخته با درک عمیق از زمینه و قاب‌های فردی

منبع: جانسن: ۲۰۱۵: ۱۸

در این تحقیق، بیشتر نسبت تحلیل قاب با تحلیل محتوا نشان داده شد، اما به زعم بسیاری از جمله دی‌انجی، رابطه نزدیکی بین تحلیل قاب با تحلیل گفتمان وجود دارد که در ادامه به ذکر آن می‌پردازیم. تحلیل قاب، در یک دیدگاه کیفی با نظریه گفتمان، در مورد چگونگی شناسایی

1. Janssen
2. Bishop

اهمیت متن به بحث می‌پردازد؛ آنچه قاب را به وسیلهٔ واژگان خاص و همچنین حذف سایر واژگان شکل می‌دهد. برای مثال، نسبت در تحلیل قاب، با شناسایی شیوه‌های قاب‌بندی و قاب، به عنوان دو مفهوم جداگانه، جنبهٔ کیفی را از جنبهٔ کمی آن تمیز می‌دهد. شیوه‌های قاب‌بندی، به این ترتیب، به گفتمان یا رتوریک بستگی دارد که قاب را شکل می‌دهند؛ از این رو، یک " معنی تفسیری اساسی " را در فرایند قاب‌بندی مهیا می‌کنند (دی آنجلو و کوپرس، ۲۰۱۰: ۴۹).

هوپ معتقد است، در تحلیل قاب وارد سطح خرد تحلیل گفتمان می‌شویم، زیرا تحلیل خرد گفتمان^۱ «ریشه‌های خود را به زبان‌شناسی می‌کشاند» و اجازهٔ تحلیل دقیق معناشناسی و نحو متون را می‌دهد. این پروژه، در دو مرحله انجام می‌شود. نخست، یک تحلیل محتوای کیفی، محتوای گسترده‌ای را از هر متن فراهم می‌آورد و یک پایگاه داده‌ای ایجاد می‌کند که بر پایهٔ آن می‌توان بخش‌هایی را که به سؤال مرتبط‌تر هستند، برای تحلیل دقیق‌تر انتخاب کرد. این خوانش ابتدایی، به متن اجازه می‌دهد که یک «سازهٔ کل‌گرایانه» دیده شود. این عمل، بسیار مهم است، زیرا «متن، مرجع تجربی اصلی در تحلیل خرد گفتمان است و به همین دلیل یکپارچگی آن باید حفظ شود». برای درک متون به‌مثابه یک کل لازم است، تحلیل خرد را در بافت آن قرار دهیم، از عبارات‌های انتخاب شده به‌تنهایی جلوگیری شود تا بتواند بر معنای محتوا تأثیر بگذارد (هوپ، ۲۰۱۰: ۷). ریشه‌های تحلیل قاب می‌تواند به اصطلاح " چرخش زبانی^۲ " بازگردد که در فلسفهٔ علوم اجتماعی رورتی (۱۹۹۱) مطرح است. از مباحث خاص مرتبط به مبانی نظری تحلیل قاب، می‌توان به تأثیر کاربردشناسی زبانی بر تحلیل‌گران انتقادی گفتمان، مانند نایجل فرکلاف، روث وداک و کار اروینگ گافمن جامعه‌شناس (۱۹۷۴، ۱۹۸۱) اشاره کرد. کاربردشناسی زبانی، زبان را به‌مثابهٔ " زبان در کاربرد " مفهوم‌سازی می‌کند؛ به عبارت دیگر، تأثیر " زبان " فراتر از مرزهای " متن " شناخته می‌شود. چنین بینش‌هایی نسبت به روابط متنی توجه دانشمندان خارج از زبان‌شناسی نیز، که روش‌های زبان‌شناختی را با نظریه‌های قدرت و ایدئولوژی ترکیب کردند جلب می‌کند؛ تا آنچه را که مکتب تحلیل انتقادی گفتمان (CDA) نامیده می‌شود، شکل دهند.

تحلیل انتقادی گفتمان، به طور خاص، تحت تأثیر فلسفهٔ فوکو (۱۹۷۲) و آلتوسر (۱۹۷۱) قرار دارد. به زعم محققان تگفا^۳ همچون وداک و فرکلاف «گفتمان برساخت اجتماعی است که به نحو اجتماعی ساخت می‌یابد»؛ این یک رابطهٔ دو طرفهٔ علی است که در آن جامعه گفتمان را شکل می‌دهد، اما تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری آن جامعه نیز دارد. تحلیل قاب، بسیاری از بلوک‌های سازندهٔ تگفا را به اشتراک می‌گذارد، اما تا حدودی به ریشه‌های زبانی و متنی خود

1. Micro-discourse analysis
2. The Linguistic Turn

۳. تحلیل گفتمان انتقادی

باز می‌گردد. در حالی که این کار، همان اصول برساخت معنا را در خود دارد و اعتقاد به پتانسیل گفتمان را، برای تأثیرگذاری بر فراتر از متن حفظ می‌کند، ریشه‌های روش‌شناختی آن را در تحلیل زبانی مفصل نیز نگه می‌دارد.

کاربست

انجام تحلیل قاب در رسانه‌های خبری

این بخش، شامل توضیح نحوه انجام تحلیل کیفی قاب خبری است. برای سهولت انجام این تحلیل، فرایند در هفت مرحله قرار می‌گیرد که شامل تحلیل واقعی پرونده خبری و بخشی از فرمول‌بندی مسئله تحقیق است (لینستروم و مارایس^۱، ۲۰۱۲: ۳۰). جزییات در تحلیل قاب اخبار باید از قبل مشخص شود.

مرحله ۱. رسانه / موضوع را انتخاب کنید:

شکلی از رسانه را برای مطالعه برگزینید. این امر، به وضوح از طریق مسئله تحقیق روشن می‌شود برای مثال، مقایسه چارچوب‌سازی دو یا چند نشریه یا حتی دو یا چند رسانه از یک رویداد، گروه، عمل خاص و غیره، (مثلاً رادیو و تلویزیون). به گفته مک‌نیر روزنامه‌ها انتخاب خوبی برای تحلیل محسوب می‌شوند، زیرا آن‌ها در مقایسه با تلویزیون و رادیو، قادر به برقراری ایده‌های پیچیده‌تر هستند (مک‌نیر^۲، ۲۰۰۰: ۱۳۶). این به این معنا نیست که رسانه‌های پخش گسترده یا الکترونیکی، نمی‌توانند نقطه تمرکز تحلیل قاب خبری باشند.

مرحله ۲. یک چارچوب (قاب) زمانی را تعیین کنید:

هنگامی که یک موضوع / رسانه انتخاب شد، محقق باید یک دوره زمانی را تعیین کند. مهم است توضیح دهید که چرا این دوره خاص اهمیت دارد.

مرحله ۳. یک نمونه بنویسید:

چارچوب زمانی، از جانب نمونه‌ای که باید رسم شود، پارامترهایی را برای تعریف جهان خلق می‌کند.

مرحله ۴. تعیین واحد تحلیل:

به زعم ویمر و دومنیک واحد تحلیل بسیار مهم است. به گفته آنها در متن نوشتاری، «واحد

1. Linström & Marais
2. McNair

تحلیل ممکن است یک کلمه یا نماد خاص، موضوع، یک مقاله یا داستان کامل» باشد (ویمر و دومینیک، ۲۰۰۶: ۱۵۸). واحد تحلیل در تحلیل قاب، اغلب مقاله‌های خبری منحصربه‌فرد است که در روزنامه‌های منتخب در دورهٔ منتخب ظاهر می‌شود.

از سویی انتخاب واحد ثبت، نوعی واحد تحلیل قلمداد می‌شود و به نوع رسانه‌ای بستگی دارد که محتوایش تحلیل می‌شود. برای مثال در روزنامه‌ها، به عنوان رسانه‌ای خبری، چهار واحد اصلی ثبت وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. خبر یا مطلب خبری^۱ که برپایهٔ رویدادهای خاص تنظیم می‌شود و در آن، شرح و بسط چندانی دربارهٔ رویداد ارائه نمی‌شود.
۲. گزارش^۲، یکی از واحدهای ثبت مهم و اصلی برای بررسی محتوای روزنامه‌هاست. گزارش، شرح کاملی دربارهٔ موضوع‌هاست که ممکن است بر پایهٔ یک یا چندین خبر و مجموعه‌ای از اطلاعات تحلیلی پیرامون یک موضوع باشد.
۳. مقاله نیز نوشته‌ای است که دیدگاه، موضع، و برخورد خاص روزنامه دربارهٔ موضوع‌ها را منعکس می‌کند. مقاله‌های روزنامه‌ها به شکل‌های مختلف، مانند سرمقاله، یادداشت، و مقاله‌های موضوعی تنظیم می‌شوند.
۴. مصاحبه، یکی دیگر از واحدهای ثبت است که بخش مهمی از محتوای روزنامه را تشکیل می‌دهد. مصاحبه، که برپایهٔ گفت‌وگو با افراد صاحب‌نظر دربارهٔ موضوع‌های خاص است، امکان کسب اطلاعات دقیق‌تر و جزئی‌تر را دربارهٔ موضوع فراهم می‌کند (غلامپور راد، ۱۳۹۵: ۹۹).

مرحلهٔ ۵. انتخاب یک نوع قاب:

انتخاب قاب‌های خبری، برای موفقیت یک تحلیل قاب بسیار مهم است. همان‌طور که ذکر شد، انتخاب قاب‌ها می‌تواند به صورت قیاسی انجام شود. پژوهشگر، به وسیلهٔ انجام یک مطالعهٔ مقدماتی و با استفادهٔ تصادفی از مقاله‌های خبری منتخب نمونه، قاب‌های خبر را انتخاب می‌کند. معمولاً داستان‌ها از مقاله‌های مورد استفاده در مطالعهٔ نهایی انتخاب می‌شوند. در مطالعهٔ مقدماتی، هر مقالهٔ خبری، چندین بار خوانده می‌شود، در حالی که محقق، یادداشت‌برداری دقیقی را انجام می‌دهد و سپس قاب‌های خبری انتخاب می‌شوند. بیشتر محققان، توسط قاب‌های خبری استاندارد مانند قاب تضاد، تخصیص مسئولیت، عواقب اقتصادی و بهرهٔ انسانی، هدایت می‌شوند، که در تحلیل قاب‌های قبلی شناسایی شدند. به این کار، به عنوان یک رویکرد قیاسی اشاره شده است. زمانی که در فرایند گزینش

1. story news

2. story feature

قاب‌ها برای مطالعه، یک انتخاب صورت گرفت، محقق می‌تواند تصمیم بگیرد که فقط یک قاب غالب را در هر یک از مقاله‌های خبری تعیین کند و یک قاب ثانویه را در هر یک از مقاله‌های خبری در نظر بگیرد. قاب غالب، موضوع اصلی مقاله خبری است، در حالی که قاب ثانویه، یک ایده تکمیلی است که از موضوع اصلی پشتیبانی می‌کند (لینستروم و مارایس، ۲۰۱۲: ۳۰).

مرحله ۶. تعاریف عملیاتی:

محقق، باید، تعریف‌های عملیاتی قاب‌های خبری منتخب را ارائه دهد. به نظر وود «تعاریف عملیاتی توصیف‌های دقیقی هستند که پدیده‌های مورد علاقه را مشخص می‌کند» (وود، ۲۰۰۴: ۶۵). اگر این مفاهیم را، محققان دیگر مورد مطالعه قرار دهند، بهتر است تعاریف آنها را در نظر بگیریم. وود می‌گوید: «این امر، به محققان مختلف اجازه می‌دهد تا از این مفاهیم به شیوه یکسانی بهره‌جویند و بنابراین، یافته‌های آنها را می‌توان مقایسه کرد و به هم ربط داد». به گفته دی وریس، بسیاری از محققان ترجیح می‌دهند تعاریف مختصر عملیاتی قاب‌ها را، که قبل از شروع مطالعه تعیین می‌شوند، به کار گیرند. کاپلا و جامیسون (۱۹۹۷) از جمله کسانی هستند که از این رویکرد حمایت می‌کنند (دی وریس، ۲۰۰۵: ۵۳-۵۴). آنها معیارهای زیر را برای یک قاب پیشنهاد می‌کنند:

- یک قاب باید ویژگی‌های مفهومی و زیبایی قابل شناسایی داشته باشد؛
- معمولاً باید در رویه روزنامه‌نگاری مشاهده شود؛
- باید بتوان قاب را با اطمینان از قاب‌های دیگر تشخیص داد؛
- یک قاب را باید دیگران به رسمیت شناخته و نباید یک فانتزی از تخیل پژوهشگر باشد.

مرحله ۷. شناسایی قاب‌های خبری:

فرایند شناسایی قاب‌های خبری، می‌تواند تنها زمانی آغاز شود که "پایه" (مراحل ۱-۶) گذارده شود. در شناسایی قاب‌های خبری، محقق نیاز دارد، بداند چگونه قاب‌ها را جست‌وجو کند و همچنین، چه چیزی را هنگام شناسایی قاب‌ها دنبال کند. نحوه شناسایی قاب‌های خبری، بر مبنای تکنیک تطبیقی ثابت وایمر و دومینیک برای روش تحلیل کیفی است که شامل چهار مرحله است:

- تخصیص تطبیقی رویدادها به دسته (یا قاب)؛
- توضیح تفصیلی و اصلاح دسته‌ها/ قاب‌ها؛

- جست‌وجو برای روابط و مضمون‌ها در میان دسته‌ها/ قاب‌ها؛
- ساده‌سازی و ادغام داده‌ها به یک ساختار نظری منسجم (ویمر و دو مینیک، ۲۰۰۶: ۱۱۷-۱۸).
- به همین ترتیب، آلوزی، نیز مواردی را به این شرح پیشنهاد می‌کند:
- فاز ۱. مرور متعدد و کلی مقاله‌ها و یادداشت‌برداری‌های توصیفی در مورد محتوا؛
- فاز ۲. مرور ثانویه برای شناسایی موضوع‌ها (مضمون‌ها)، قاب‌ها، ارزش‌ها و مقوله‌های موضوعی خاص تکراری؛
- فاز ۳. تفسیر عمیق مقاله‌ها (آلوزی، ۲۰۰۵: ۶۶).

"چستی" شناسایی قاب‌ها نشان می‌دهد که محقق، متن را برای "شیوه‌های نمادین" یا "عناصر نشانه‌ای خاص" تحلیل می‌کند که در داستان‌های خبری قرار دارند (گامسون و لاش، ۱۹۸۳: ۳۹۹).

چندین شیوه مورد استفاده، برای قاب‌بندی یک رویداد/ داستان خاص وجود دارد. مسئله تحقیق، پژوهشگر را از این نظر هدایت می‌کند که تنها، دنبال یک شیوه چارچوب‌سازی مجرد، مانند منابع خبری، باشد یا شیوه‌های چارچوب‌سازی متعدد را به کار گیرد. دسته‌بندی‌های مختلفی در این باب وجود دارد، اما درکل، این شیوه‌های قاب‌بندی به دو دسته تقسیم می‌شوند: شیوه‌های بلاغی (رتوریک) و شیوه‌های فنی (لینستروم و مریس، ۲۰۱۲: ۳۰).

۱. شیوه‌های بلاغی: شیوه‌های بلاغی عبارت از انتخاب واژه، استعاره‌ها و مثال‌ها است. سایر شیوه‌هایی که می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند عبارت‌اند از «وجود یا عدم وجود کلیدواژه‌های خاص، عبارات رایج، منابع اطلاعات و جملاتی که به نحوی مضمونی دسته‌های واقعیت یا عقاید را تقویت می‌کنند» (التمن، ۱۹۹۳: ۵۲). گامسون و لاش نظر خود را در خصوص این موارد، به صورت زیر ارائه می‌دهند:

- استعاره‌ها: این دسته همیشه دو بخش دارند؛ موضوع اصلی که استعاره، قصد روشن کردن آن را دارد و موضوع مرتبط که استعاره، در صدد افزایش درک خوانندگان است.
- مثال‌ها: در حالی که استعاره‌ها، به منظور تشکیل موضوع اصلی به رویدادهای مفروض تکیه می‌کنند، رویدادهای واقعی گذشته یا حال، بیشتر برای همین هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- عبارات‌های گیرا^۱: مفسران رویدادها، اغلب سعی می‌کنند آن‌ها را در یک عبارت واحد،

1. Alozie
2. Gamson & Lasch
3. stock phrases
4. Catch-phrases

سخن پایانی تأثیرگذار، عنوان یا شعار ثبت کنند، که برای نشان دادن یک قاب در نظر گرفته شده است. عبارات‌های گیرا، عبارات‌های خلاصه‌شده در مورد موضوع اصلی هستند.

- **مضامین:** داستان‌های خبری، موضوع‌های خاصی دارند که آن‌ها را، به طور خاص، مشخص می‌کنند. آن‌ها ممکن است این کار را از طریق استعاره یا مثال‌ها یا از طریق رشته‌ای از توصیف‌کننده‌ها انجام دهند.

- پان و کوسیشکی نیز، درباره ساختارهای مختلف متن، این موارد را می‌افزایند:
- **ساختارهای نحوی،** به الگوهای موجود در ترتیب واژگان و عبارات‌ها اشاره می‌کنند.
- **ساختارهای متنی،** اشاره به این واقعیت دارد که بیشتر گزارش‌های خبری، رویدادهای دارای ارزش خبری را پوشش می‌دهند و اینکه انتظار می‌رود، اخبار به پیوند بین مخاطبان با محیط‌شان کمک کند.
- **ساختارهای مضمونی،** به یک سلسله مراتب چندلایه با یک موضوع اشاره می‌کنند که هسته اصلی را به زیرموضوع‌های مختلف پیوند می‌زند، همچون عنوان گره‌های اصلی که به اظهارات معین مرتبط هستند.
- **ساختارهای بلاغی،** "انتخاب‌های سبک‌شناسانه روزنامه‌نگاران در رابطه با مفاهیم مورد نظرشان" را توصیف می‌کنند (پان و کوسیشکی، ۱۹۹۳: ۵۹-۶۱)..

۲. **شیوه‌های فنی:** شیوه‌های فنی، شامل عناصر مختلف نوشتن اخبار و همچنین عناصر فنی مانند طرح‌بندی و تصاویر است. تانکارد پیشنهادهای زیر را برای شیوه‌های چارچوب‌سازی فنی ارائه می‌دهد:

- تیترا؛
- زیر تیترا؛
- شرح عکس؛
- لیدها؛
- انتخاب منبع؛
- انتخاب نقل قول؛
- اظهارات و پاراگراف‌های پایانی (به نقل از ریس و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰۱).

منابع خبری، شیوه‌های چارچوب‌سازی سنجیده و مهمی هستند. به نظر پان و کوسیشکی، اینکه از چه کسی نقل قول شده، نحوه شناسایی آن‌ها و مکان قرارگیری نقل قول در داستان مهم است. آنها می‌افزایند که از نقل قول‌ها، به عنوان شیوه‌های چارچوب‌سازی مفید استفاده می‌شود به ویژه با:

نقل قول از متخصصان، برای ادعای اعتبار یا راستینگی تجربی، با نقل قول از منابع رسمی برای پیوند برخی از دیدگاه‌ها به قدرت و با نقل قول از یک انحراف اجتماعی برای کنار گذاشتن دیدگاهی خاص.

تیترها، یکی دیگر از شاخص‌های مهم، در قاب یک داستان خبری هستند. همان‌طور که پان و کوسیشکی مشاهده می‌کنند.

یک تیتربرجسته‌ترین نشانه برای فعال کردن مفاهیم معناشناختی خاص در ذهن خوانندگان است: بدین ترتیب، تیتربرجسته‌ترین شیوه‌چارچوب‌سازی ساختار نحوی است (پان و کوسیشکی، ۱۹۹۳: ۵۹-۶۰).

خلاصه این موارد را، در جدول ۳ ملاحظه می‌کنید.

جدول ۳. تلخیص شیوه‌های دوگانه قاب‌بندی

نمونه‌ها	طبقه
<p>۱. انتخاب کلمه، استعاره؛ مثال‌ها؛ ۲. کلمه‌های کلیدی (وجود/ یا عدم وجود)؛ ۳. عبارت‌های رایج (وجود/ یا عدم وجود)؛ ۴. جمله‌هایی که به نحوی مضمونی دسته‌های واقعیت یا عقیده را تقویت می‌کنند؛ ۵. اظهارات و پاراگراف‌های پایانی.</p>	<p>شیوه‌های بلاغی یا سایر شیوه‌های گرامری - نوشتاری</p>
<p>۱. تیترها، زیرتیترها، شرح عکس، لیدها، عکس‌ها، طرح‌بندی (برجستگی مقاله)، قرارگیری در صفحه (صفحه اول و غیره)؛ ۲. همه منابع اطلاعات در مقاله، از چه کسی نقل قول شده است، نحوه شناسایی آن‌ها، مکان قرارگیری نقل قول در داستان؛ ۳. نقل قول از متخصصان برای ادعای اعتبار یا راستینگی تجربی، نقل قول از منابع رسمی برای پیوند برخی از دیدگاه‌ها به قدرت، نقل قول به یک انحراف اجتماعی برای کنار گذاشتن دیدگاهی خاص.</p>	<p>شیوه‌های فنی (عناصر نگارش خبر، طرح‌بندی، تصاویر)</p>

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله، با هدف توصیف و تشریح روش تحلیل قاب، که در زمره روش‌های جدید است، صورت گرفت. مطالعه‌هایی که از تحلیل قاب در روش‌شناسی خود استفاده کرده‌اند از رویکردهای گوناگون نظری و روش‌شناختی بهره‌جسته‌اند، که منجر به تعاریف عملی متفاوتی شده و بیشتر آن‌ها نیز تجربی و مختص اهداف مطالعه مربوط بوده است. این مقاله نیز، یک صورت‌بندی کلی از تحلیل قاب کیفی در رسانه‌های خبری ارائه کرد و با متمایز کردن آن از نوع کمی و نقد رویکرد کیفی آغاز شد؛ به شناخت انواع تحلیل قاب هرمنوتیک یا کیفی، کل‌گرایانه دستی، تقلیل‌گرایانه دستی و زبان‌شناختی و رایانه‌محور پرداخت و نقاط ضعف و قوت هر یک از آن‌ها را شناسایی کرد. از جمله نقدهای وارد به این تحقیق، مسئله پایایی است که محققان بر

این باورند، استخراج قاب‌ها ممکن است دلخواهی یا بر پایه قاب‌های منتخب سایرین باشد؛ به همین دلیل، آنها با دسته‌بندی آن، به این چهار رویکرد نحوه، استفاده جامع از این رویکردها را ذکر می‌کنند.

در واقع روش تحلیل قاب نیز، در گذر زمان از پارادایم کیفی صرف خارج و به صورت آمیخته، با روش کمی و کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعد زبان‌شناختی تحلیل قاب، باعث مجاورت‌هایی با روش‌های بلاغی و تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا شده است؛ به همین دلیل مضامین، عبارت‌های گیرا، تیتراها، ساختارهای نحوی، اظهارات و ... در این تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد تا به کنه موضوع وارد شده و نحوه چارچوب‌سازی رسانه‌ها در قبال یک موضوع خاص بر ملا شود.

از سویی، موضوع‌های مورد توجه در مورد این روش، همچنان مبین ذهنی بودن فرایند است، همراه با این واقعیت که اجماع در مورد نوع‌شناسی استاندارد قاب‌ها هنوز وجود ندارد. به همین دلیل، بهره‌گیری از رویکردهای قیاسی و استفاده از قاب‌های استاندارد در تحلیل قاب، گاهی نمی‌تواند محقق را در نیل به کشف قاب‌های تحقیق خود کمک کند. زیرا متون هر تحقیق مبتنی بر اهداف آن گردآوری شده و کشف قاب‌ها، حاصل تفسیر و خوانش محقق است. در واقع همان‌طور که ریس بیان می‌کند، رویکرد کیفی در تحلیل قاب، به مقاومت در برابر تمایل تقلیل‌گرایانه برای مرتب‌سازی متون رسانه‌ای و گفتمان به ظروف و شمارش اندازه یا فروانی آنها کمک می‌کند (ریس، ۲۰۰۷: ۱۰). برخی، قاب‌ها را، یک ساختار ذاتی کیفی تعریف می‌کنند. در این مورد، باید معانی تعبیه‌شده در روابط داخلی درون متون را در نظر گرفت که سقوط به اقدام‌های تقلیل‌گرایانه آنها را مبهم می‌کند.

مبنی بر یافته‌های این پژوهش و بر پایه داده‌های موجود، می‌توان رویکردهای مختلف تحلیل قاب را برگزید تا با توجه به نقاط قوت و ضعف هر یک از آنها و به واسطه سؤال‌های پژوهش، که شاکله تحقیق را شکل می‌دهند، بتوان بهترین انتخاب را برای روش‌شناسی آن پژوهش داشت. در واقع، گزینش هر یک از این رویکردها، بسته به این است که پژوهشگر، چه مفروض‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی را برای تحقیق خود برگزیده است. شناخت دقیق از حیث رویکرد کمی و کیفی و آشنایی با سایر روش‌های مرتبط با تحلیل قاب و اشراف محقق با معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی روش‌های کمی و به‌ویژه کیفی، می‌تواند از لغزش‌های مرتبط با نحوه کاربرد این روش بکاهد.

در پایان باید اذعان داشت که یک پژوهش کیفی، مانند تحلیل قاب، می‌بایست این قدرت را داشته باشد تا بتواند خود را از طریق استدلال و ارائه مجموعه‌ای منجسم از عناصر و شیوه‌های کاریست آن تبیین کند؛ و محقق با شناخت آن بتواند پژوهش کیفی را به شیوه‌ای مطلوب انجام دهد. به همین دلیل، این تحقیق، بینشی ابتدایی از روش تحلیل قاب و جنبه‌های

مختلف آن ارائه داد تا بتواند سهمی در آشنایی اولیه با این روش از حیث مفهومی، نظری و روش شناختی داشته باشد.

منابع

غلامپورراد، مسعود. ۱۳۹۵. "شناسایی انواع چارچوب‌های رسانه‌ای ایجاد شده توسط رسانه‌های رقیب برای شکل دهی به خط‌مشی‌های عمومی در ایران: مطالعه موردی هدفمندی یارانه‌ها". فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ. ۶(۱): ۸۹-۱۱۰.

- Alozie, E. 2005. "Sudan and South Africa – a framing analysis of Mail & Guardian Online's coverage of Darfur". *Ecquid Novi*, vol. 26 (1): 63-84.
- Bishop, R. 2013. "Go out and play, but mean it: using frame analysis to explore recent news media coverage of the rediscovery of unstructured play". *Soc. Sci. J.* 50, 510–520.
- Connolly-Ahern, C. & Broadway, S.C. 2008. "To Booze or No to Booze? Newspaper Coverage of Foetal Alcohol Spectrum Disorders". *Science Communication D*: 366-370.
- Clark, F. and Illman, D. 2006. "longitudinal study of the New York Times Science Times section". *Sci. Commun.* 27.
- D'Angelo, P. & Kuypers, J.A. 2010. *Doing News Framing Analysis. Empirical and Theoretical Perspectives*. New York: Routledge.
- De Vreese, C.H. 2005. "News framing: Theory and typolog". *Information Design Journal & Document Design* (13)1.
- Du Plooy, G.M. (ed.) 1997. *Introduction to Communication*. Course Book 2. Communication Research. Cape Town: Juta.
- Entman, R. M. 1993. "Framing: Towards clarification of a fractured paradigm". *Journal of Communication*, 43(4): 51–58.
- Fløttum, Kjersti, and Øyvind Gjerstad. 2017. "Narratives in Climate Change Discourse". *WIREs Climate Change*. 8:1–15.
- Gamson, W.A. & Lasch, K.E. 1983. *The political culture of social welfare policy*. In: Spiro, S.E. & Yuchtman-Yaar, E. (eds.) *Evaluating the welfare state: Social and Political perspectives*. San Diego, CA: Academic Press.
- Gitlin, T. 1980. *The whole world is watching. Mass media in the making and unmaking of the new left*. Berkeley: University of California Press.
- Hope, Mat 2010, "Frame Analysis as a Discourse-Method: Framing". climate change politics Paper delivered to the Post-Graduate Conference on Discourse Analysis University of Bristol.
- Johannessen, Marius Rohde. 2015. "Please Like and Share! A Frame Analysis of Opinion Articles in Online News". *IFIP International Federation for Information Processing* 2015, DOI: 10.1007/978-3-319-22500-5_2.
- Janssen, Maria Carolina 2010. *A Framing Analysis of Weblogs and Online Newspapers*. A Thesis Presented to The Faculty of the School of Journalism and Mass Communications. San Jose State University.
- Kelle, U., Prein, G. & Bird, K. 1995. *Computer-aided qualitative data analysis: theory, methods and practice*. London: Sage.
- Klandermans, B. & Staggengborg, S. 2002. *Methods of social movement research*. Minnesota: University of Minnesota Press.
- Lindekilde, Lasse. 2014. *Discourse and Frame Analysis In-Depth Analysis of Qualitative Data in Social Movement Research, in Methodological Practices in Social Movement Research*, Edited by Donatella della Porta, Oxford University Press.

Linström, Margaret and Marais, Willemien. 2012. "qualitative news frame analysis: a methodology". *Communitas*, ISSN 1023-0556.

Matthes, J., & Kohring, M. 2008. "The content analysis of media frames: Toward improving reliability and validity". *Journal of Communication*, 58(2): 258-279.

McNair, B. 2000. *Journalism and Democracy: An evaluation of the political public sphere*. London: Routledge.

Nagy, Rosemary & Gillespie, Emily 2015. "Representing Reconciliation: A news frame analysis of print media coverage of Indian residential schools." *Transitional Justice Review*, 1(3).

Naylor, Rhiannon, Will Manley, Damian Maye, Gareth Enticott, Brian Ilbery and Alice Hamilton-Webb. 2017. "The Framing of Public Knowledge Controversies in the Media: A Comparative Analysis of the Portrayal of Badger Vaccination in the English National, Regional and Farming Press." *Sociologia Ruralis* 57.

Neuendorf, K. A. 2002. *The content analysis guidebook*. Thousand Oaks, Calif: Sage Publications.

Nisbet, Matthew C. 2009. "Communicating Climate Change: Why Frames Matter for Public Engagement, Environment." *Science and Policy for Sustainable Development*, 51:2: 12-23.

Nisbet, Erik C., P.S. Hart, Teresa Myers, and Morgan Ellithorpe. 2013. "Attitude Change in Competitive Framing Environments? Open-/ Closed-Mindedness, Framing Effects, and Climate Change." *Journal of Communication*.

Nisbet, M.C. and C. Mooney. 2007. "Reply: The risks and advantages of framing science." *Science*, 317 (5842).

Neuman, W.R., Just, M.R. & Crigler, A.N. 1992. *Common knowledge: News and the construction of political meaning*. Chicago: University of Chicago Press.

Pan, Z. & Kosicki, G.M. 1993. "Framing analysis: an approach to news discourse". *Political Communication*. 10: 55-76.

Reese, S.D., Gandy, O.H. & Grant, A.E. (eds). 2003. *Framing public life: Perspectives on Media and Our Understanding of the Social World*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.

Reese, S.D 2007("The Framing Project: A Bridging Model for Media Research Revisited". *Journal of Communication* 57: 148-154.

Reese, S.D.: Finding frames in a web of culture. 2010. "Doing News Fram. Anal. Empir". *Theor. Perspect*: 17-42.

Schäfer, Mike S; O'Neill, Saffron 2017. "Frame Analysis in Climate Change Communication: Approaches for Assessing Journalists' Minds, Online Communication and Media Portrayals." University of Zurich Main Library Strickhofstrasse 39 CH-8057 Zurich.

Scheufele, D. A., and D. Tewksbury. 2007. "Framing, Agenda Setting, and Priming: The Evolution of Three Media Effects Models." *Journal of Communication*, 57(1).

Scheufele, D.A. 1999. "Framing as a Theory of Media Effects". *J. Commun.* 49 (4).

Sniderman, Paul M. and Theriault, Sean M. 2004. "The Structure of Political Argument and the Logic of Issue Framing." in Willem E. Saris and Paul M. Sniderman (eds), *Studies in Public Opinion*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 65 – 133.

Snow, David A. 2004. *Framing Processes, Ideology and Discursive Fields*. in David A. Snow, Sarah A. Soule, and Hanspeter Kriesi (eds), *The Blackwell Companion to Social Movements*. Malden: Blackwell,

Šuljok, Adrijana. 2015. "Changes in media selection and framing of science news in Croatian daily press." *Journal of Science Communication*.

Van Gorp, B. 2007. "The constructionist approach to framing: Bringing culture back in." *Journal of Communication*. 57(1).

Wimmer R.D. & Dominick J.R. 2006. *Mass Media Research. An Introduction*. (8th edition). Canada: Thomson Wadsworth.

wood, j.t. 2004. *communication theories in action. an introduction.* (3rd edition). canada: thomson wadsworth.

Matthes, J. 2007. *Framing effects. On the influence of political reporting on the attitudes of recipients.* Munich: Reinhard fischer.

